

مساجد ایرانی و قبرستان ایرانیان در استانبول

سیدکمال میرخلف

اشاره:

در شماره چهارم مجله وزین بهارستان (تابستان ۸۸) مقاله‌ای ارزشمند از پژوهشگر کوشای ترک، خانم اسری دوغان که تعلق خاطری نیز به فرهنگ، تاریخ و هنر ایران زمین دارد در مورد کاروان‌سرای والده خان با عنوان «استانبول ایرانیان و کاروان‌سرای والده‌خان» به چاپ رسیده است مقاله یاد شده همچنانکه نگارنده آن یاد کرده، عمدتاً از روی منابع و متون انتشار یافته کشور ترکیه تهیه و ترجمه گردیده است. در چند جای مقاله به مناسبت وقوع بنای مسجد والده‌خان در ضمن مجموعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی والده‌خان استانبول، از «مسجد والده‌خان» نیز سخن رفته است، لیکن احتمالاً از آنجاکه بنای مقاله پژوهش بر منابع ایرانی و تحقیقات میدانی پیرامون این اثر مذهبی تاریخی و یا تحولات اخیر و معرفی بنای مسجد و معماری و جایگاه آن بطور خاص نبوده است و نیز به دلیل در دسترس نبودن و یا عدم امکان بهره‌برداری از برخی از منابع میدانی و یا مشکلات احتمالی مربوط، بسیاری از موضوعات پیرامون این اثر مهم مسکوت مانده است. از این‌رو مقاله حاضر از یک سو می‌تواند به عنوان مکمل مقاله یاد شده تلقی شده که به بخشی از مجموعه والده‌خان با اتکا به بررسی خود اثر و تحقیقات میدانی پیرامون آن پرداخته و از سوی دیگر معرف آثار ایرانی دیگری (مسجد سیداحمد دره سی و قبرستان ایرانیان استانبول) نیز که از گذشته دور در این شهر تاریخی به جای مانده باشد.

قابل یادآوری است نگارنده در فاصله سالهای ۸۱ تا ۸۵ هجری شمسی که به عنوان کنسول و مسئول حقوقی سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در استانبول فعالیت می‌نمود بدلیل علاقه وافرو تعلق خاطری که به بررسی و مطالعه روی آثار ایرانیان در این شهرداشته و دارد و با اظهار تأسف از ناشناخته ماندن بسیاری از این آثار در کشور ترکیه علیرغم همسایگی، در حاشیه فعالیت‌های شغلی خود تصمیم گرفت هر کجا

ردپائی از حضور ایرانیان و یا سرنخی از آثار کشور عزیزمان یافت شد در حد امکان اسناد آن را جمع‌آوری کند. از این‌رو در این میان تصمیم گرفتم بدلیل فرصت فراهم آمده ترجیحاً به آثار تحقیق ناشده و یا کمتربررسی شده - که بسیار نیز هست بپردازم و هر چند در بسیاری زمینه‌ها بضاعت قابلی در خود سراغ نداشتیم لیکن گمان داشتم فرصت نسبتاً طولانی حضور در کنار این نمادها و آثار هر چند با محدودیت‌هایی همراه بود اما زمینه‌ای بود که کمتر برای محققان شایسته کشورمان پیش می‌آید از این‌رو اکنون خرسندم که تا حد دانش و توان توانستم با پژوهشی میدانی و ملموس، تصویرهایی نگارشی از برخی از این آثار گردآوری کنم و از آنجا که مراجعه به متون و منابع نوشته و پژوهش‌های کتابخانه‌ای در داخل کشور نیز می‌توانست به عنوان مکمل فعالیت یادشده ادامه یابد در محدوده زمانی یاد شده به این منابع کمتر مراجعه شد و فرصت بیشتری روی منابع مادی و مشهود گذاشته و بدینسان شاید این پژوهش و اسناد و تصاویر مربوط از این جهت که تهیه و بررسی‌های اصلی آن به طور مستقیم به رفت و آمدهای مکرر، مطالعات مشهود، مصاحبه‌ها، برداشتها و تطبیق آن با منابع مکتوب وابسته بوده است در نوع خود بتواند در خصوص موضوع مورد تحقیق منحصر و سرآغازی برای دیگر تلاش‌ها و استمرار نقطه نظرات صاحب‌نظران تلقی گردد. ضمن اینکه نگارنده کوشیده به اینگونه اسناد حتی‌الامکان تا جایی که در حال حاضر خود و یا آثار آن وجود داشته در حد امکان دست یابد و به آن اشاره کند تا چنانچه در کوران تحولات و حوادث آتی دستخوش برخی تغییرات دیگر شد دست کم در بایگانی متون و اذهان بماند. یادآوری می‌شود این مقاله بخشی برگزیده از یک مجموعه است که در مورد برخی آثار ایرانی در ترکیه تهیه شده و امیدوارم به زودی بتوانم تمامی این مجموعه را به علاقمندان تقدیم نمایم با این توضیحات که:

۱- متأسفانه بنا به اسناد روایی و گفته برخی ایرانیان مقیم، بعضی منابع مادی، اسناد و کتیبه‌ها بدلیل برخی کم‌توجهی‌ها، عدم دقت و یا نبود علاقمندان پژوهشگر، تغییر خط، زبان و شیوه و در نتیجه کم‌توجهی محققان ترک، از میان رفته است. در عین حال باید تلاش‌های ستودنی برخی نهادهای رسمی و انجمن‌های ایرانی و ایرانیان علاقمند را در حفظ و صیانت از آنچه به جای مانده است، به شایستگی ارج نهاد.

۲- در موقعیت شغلی و فرصتی که نگارنده داشت و نیز کم‌آشنائی با فرهنگ و رسوم و مقررات محلی، هرگونه پژوهش بدلیل ضرورت حضور مستقیم در کنار آثار همواره می‌توانست بدلائل مختلف با دشواری‌هایی همراه باشد که ناگزیر نگارنده را بر آن می‌داشت جانب محافظه کاری و احتیاط را نیز مراعات کند. برخی کاستی‌های احتمالی این پژوهش می‌تواند ناشی از این امر باشد.

۳- وجود این آثار که نشانه‌های مشترکی از فرهنگ ایران و ترکیه در آن به چشم می‌خورد می‌تواند بازگوی پیوند مشترک تاریخی دو کشور و ملت متمدن ایران و ترکیه محسوب شود و به ویژه معرفی این آثار به گردشگران عام و خاص ایرانی و غیرایرانی می‌تواند زمینه‌ها و سرنخه‌هایی را برای گزارش‌ها و پژوهش‌های بعدی فراهم نماید تا انبوهی از هموطنان و دیگر گردشگران که سالانه از شهر زیبای استانبول دیدن می‌کنند در کنار بازدید از آثار متعدد اسلامی و تاریخی این شهر و برنامه سوق و سیاحت خود در این

شهر کهن اسلامی، ساعتی را نیز با خاطرات نیاکان و هموطنانمان که سال‌ها پیش در این شهر می‌زیسته و با در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کرده‌اند بگذرانند و نیز می‌تواند تأکیدی بر تحکیم و استواری پیوندهای فرهنگی دولت تلقی شود.

۴- کمی و یا از بین رفتن شماری از منابع و وجود برخی موانع و محدودیت‌های شغلی، اجتماعی، اداری، کم بضاعتی و شتابزدگی نگارنده در فهرست‌برداری از اسنادی که هست و واگذاری تحقیق و بررسی آن به متخصصان حوزه تاریخ و فرهنگ و هنر و دلائلی دیگر موجب شده اذعان کنم برخی نتایج بدست آمده محل اشکال و ایراد و تکمیل بوده و از این رو به جدیت در این راستا به همفکری و راهنمایی اساتید و پژوهشگران ارجمند این عرصه و سایر فرهیختگان و علاقمندان نیازمندم.

۵- در کنار این کاستی‌ها باید گفت از آنجا که به دلیل تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی در نسل جدید ایرانیان این نگرانی وجود داشت که برخی از این آثار و آمیزه حضورشان با تاریخ ایرانیان به تدریج از اذهان زوده شده و از فهرست نمادهای این پیوند مشترک خارج شود نگارنده در مدت اقامت در این شهر و مؤانست با این آثار آمیخته با تاریخ و فرهنگ ایران زمین و از جمله باور به محوریتی که مسجد والده‌خان در فرهنگ هجرت کرده این آب و خاک در دوران‌هایی از تاریخ در بین ایرانیان مقیم داشته، کوشید به پیشنهاد برخی ایرانیان مقیم و همت علاقمندانی دیگر از هموطنان مقیم و غیرمقیم در حد امکان این بنا را برجسته‌سازی کند که کتیبه‌نگاری آن به خطوط مختلف ایرانی و اسلامی و تلاش برای الصاق عنوان «مسجد ایرانیان والده‌خان» بر آن به شیوه کاشیکاری ایرانی از جمله توفیقات و افتخارات ملی و دینی بود که خداوند توفیق آن را در کنار دیگر تلاش‌های خیرخواهانه همراهانی دیگر به این بنده عطا نمود تا پرتوی درخشان این بزرگ‌نمایی بتواند بر دوستی و پیوند فزاینده دو کشور و ملت دوست و همسایه ایران و ترکیه تابیده و آن را عمق و استمرار بخشد.

مسجد والده خان (ایرانیان)^۱ / نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از نیمه اول قرن ۱۶ میلادی (دهم قمری)، شماری از ایرانیان به ویژه هنرمندان و صنعتگران به استانبول عزیمت کردند و از قرن ۱۷ میلادی به تدریج در منطقه والده‌خان [بین سربالایی چاخماقچی لار (فندق فروشان) و فرنجی لار و کاخ محمد پاشای جراح] واقع در محله مرجان در ناحیه شمالی بازار سرپوشیده^۲ استانبول سکنی گزیدند و در سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی فعالانه در امور تجاری، فرهنگی و اجتماعی و دینی مشارکت داشتند؛ به گونه‌ای که خان ملک‌ساسانی که از ۱۹۲۰ میلادی (۱۲۹۹خ) به سفارت ایران در

1. Valide Han Camii

همچنین به مساجدی دیگر از جمله جامع جدید) ینی جامع (امینونو جنب بازار مصریها و خلیج شاخ زرین منطقه امینونو که به دستور سه مادر سلطان ساخته شده و مسجد دیگری در میدان آکسرای شهر استانبول که به دستور پرتو نیال مادر سلطان عبدالعزیز بنا شده نیز مسجد سلطان والده یا والده سلطان گفته می‌شود.

2. Kapali Carsi

استانبول مأمور شده و مدتی کاردار سفارت ایران بوده است، در کتاب یادبودهای سفارت استانبول^۱ مجتمع والدهخان و اجتماع ایرانیان در آنجا را در امور مهم سیاسی، اجتماعی و حتی تعیین رجال سیاسی آن دوران بسیار تأثیرگذار می‌داند.^۲ والدهخان در آن زمان، خود شهر کوچکی بود درون استانبول که با دزی محصور بیش از پانصد کارگاه تولیدی، مرکز فرهنگی و شماری از جمعیت‌های سیاسی و اجتماعی را در خود جای داده بود.^۳ این مجتمع حدود سه قرن محل و یا کار و تردد نزدیک به پانزده تا بیست‌هزار ایرانی مهاجر از جمله برخی از فعالان سیاسی، فرهنگی و تجاری بوده است و در دوران انقلاب مشروطه پناهندگان و تبعیدشدگان در آن پناه داشتند. به روایت خان‌ملک‌ساسانی در ۱۹۱۹م (۱۲۹۸ش - ۱۳۳۸ق) همزمان با ورود محمدعلی‌شاه و نیز ورود احمدشاه قاجار به استانبول در این شهر ۲۰ هزار ایرانی ساکن بوده‌اند.

مسجد والدهخان در مرکزیت این مجتمع تاریخی بزرگ، نماد برجسته حضور، فعالیت اجتماعی و دینی ایرانیان بوده است. دائرةالمعارف استانبول، والدهخان را یکی از شاهکارهای معماری قرن هفدهم می‌داند؛ قرن‌ها که تا اواسط آن معماری اماکن و بناها آشکارا از معماری کلاسیک تأثیر پذیرفته است. در این قرن نفوذ مادران سلاطین عثمانی در امور کاخ‌ها و دولت افزایش یافت و آنها اقتدار خود را با بنای مجتمع‌های بزرگ تجاری، علمی و خدماتی که در مرکزیت آن یک مسجد بزرگ و شایسته پیش‌بینی می‌شد، آشکار می‌کردند. پر نفوذترین این مادران سه تن بودند که یکی از آنان والده کوسم‌سلطان (ماه‌پیکر ملقب به شکرپاره خاتون یا بانوشکر)، مادر سلطان ابراهیم و سلطان مراد چهارم (۱۶۳۲-۱۶۴۰ میلادی) و جدہ سلطان محمدچهارم بود

۱. ساسانی، یادبودهای سفارت استانبول ص ۲۳، چاپ دوم این کتاب در ایران توسط انتشارات بابک به سال ۱۳۵۴ خورشیدی انجام گرفته و در سال ۲۰۰۶ با عنوان «یک سفیر در آخرین سال‌های پایتخت «bir sefir son yıllarında payitahtin» توسط آقای Hakki Uygur به ترکی ترجمه و توسط انتشارات کلاسیک استانبول به چاپ رسیده است.

۲. وی در این کتاب در این باره و در اهمیت این مجتمع در دوران خود نوشته است:

۳. به نوشته تاریخ در این دوران نزدیک به ۴۰۰۰ نفر از تجار و عاملین ایرانی در استانبول سکنی داشتند که برخی هم مهم و مشهور و هم دانشمند و صاحب ثروت بودند، در میان بازرگانان مقیم استانبول، تجار مشهوری بوده‌اند که علاوه بر پرداختن به بازرگانی در عرصه اندیشه و قلم و ادب و فرزاندی نیز نقش داشته و در قیام مشروطه و انگیختن مردم منشأ اثر بوده‌اند افرادی چون حاج‌میرزا صادق بروجردی نویسنده و ادیب معروف جراید، حاج‌زین‌العابدین مراغه‌ای نویسنده کتاب سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیک، میرزاآقای تاجراصفهانی معروف به مجاهد، فعال و رهبر سیاسی در والدهخان که ماجراهای تاریخی مختلفی در مورد وی نقل شده است، از این جمله‌اند. همچنین در منابع تاریخی از ایرانیان با بضاعت و مرفهی نام برده می‌شود که در استانبول و از جمله منطقه والدهخان کاروان‌سراها و املاک معتبر و نفوذ فراوان داشتند، همچون: حاجی‌بابا آقای گنجوی، آقای عبدالنفر قره‌چهداغی، میرزا عبدالله بیک‌خویی، مشه‌دی عبدالکریم دیلمقانی، حاجی‌زین‌العابدین حریرفروش، حاج‌میرزا شفیق امین‌التجار اصفهانی، حاج‌میرزا فتح‌علی اصفهانی (دارای کارخانجات متعدد)، حاجی محمدعلی حریری، حاج عباسعلی و حاج احمد طهرانچی و محمودآقای طاهباز که برخی نیز در جمعیتی به نام «جمعیت اعانه ملیه ایران» فعال بودند. این جمعیت به سال ۱۹۱۰م (۱۲۸۹ش - ۱۳۲۸ق) به ریاست حاج‌میرزا موسی خان تأسیس و در مواقعی چون اشغال ایران توسط بیگانان به تهییج مردم و جمع‌آوری کمک‌های مردمی در استانبول می‌پرداخته‌اند. همبستگی جامعه ایرانی مقیم والدهخان از ماجراهایی تاریخی چون اخذ مالیات تمتع، دفاع یکپارچه از پناهندگان مشروطه همچون حاج‌میرزا آقا (مجاهد)، ارسال نشان برای ستارخان (سردار ملی)، حمایت مادی و معنوی از بیمارستان و دبستان ایرانیان و... آشکار است.

که ثروت بسیاری داشت و در این کاروان سرا پنهان بود و ساخت بنای اولیه مسجد ایرانیان در والدهخان و مجتمع(خان) و اطراف آن به دستور او بوده و از این رو به نام او نیز ثبت شده است. وی علاوه بر این مسجد و مجتمع در کنار دو تن از دیگر مادران سلاطین در ساخت جامع جدید (ینی جامع) واقع در ایستگاه مرکزی منطقه امینونو و مجتمع‌های تجاری اطراف آن نیز سهم به‌سزایی داشته است^۱، از این رو به این مسجد نیز جامع سلطان‌والده می‌گویند. بنای مسجد ایرانیان در زمان پادشاهی سلطان مراد چهارم در فاصله سال‌های (۱۶۴۰-۱۶۲۳ میلادی برابر به ۱۰۱۹-۱۰۱۲خ) ساخته شده است. مورخان، مجتمع والدهخان و محمودپاشا را بزرگترین «خان»های استانبول در آن زمان می‌شمارند. این مجتمع بنا به برخی روایات تاریخی از موقوفات مسجدی به نام چینی‌لی «Cinili Kulliyesi» بوده که در اسکودار (بخش آسیایی استانبول) ساخته شده بود^۲. اقامت و سکونت در این مجتمع از سال ۱۹۱۳ میلادی (۱۲۹۱خ) ممنوع شده و از آن زمان تاکنون تنها به عنوان محل تجاری بهره‌برداری می‌شود. چار سوی والدهخان را مغازه‌ها و ایوان‌هایی واقع در دو طبقه پی‌درپی احاطه کرده‌اند و مسجد والدهخان در مرکزیت یکی از حیاط‌های این مجتمع و چهار سوی بزرگ آن همچنان پای برجاست- مسجدی که روزگاری شاهد هزاران خاطره تلخ و شیرین از حضور ایرانیان در این مجتمع بوده است- بنا به نقل‌های تاریخی در حیاط سوم مثلث شکل والدهخان که صغیرخان نام دارد، برجی مربع شکل به نام جهان‌نما^۳ شامل اتاقی گنبدی شکل به ارتفاع ۲۷ متر وجود دارد که بنا به شواهدی از آثار و بقایای امپراتوری بیزانس است^۴. به نوشته برخی جهانگردان در وسط کاروان سرای والدهخان که در زمان خود بزرگترین کاروان‌سرای استانبول بوده است در کنار قلعه جهان‌نما واقع در سمت چپ کاروان سرا مسجدی وجود داشته^۵ که احتمالاً این مسجد کهن در جای مسجد کنونی برپا بوده است.

۱. اولین این مادران به ترتیب تاریخ، سلطان صفیه‌والده سلطان محمد سوم در سال ۱۵۹۸ میلادی (۹۷۷ش-۱۰۰۶ق) ساخت مسجد جامع امینونو (ینی مسجد) را آغاز و پس از مرگ او والده کوسم سلطان آن را ادامه داد و پس از مرگ او عروس وی والده سلطان خدیجه‌تورخان ساخت مسجد را به سال ۱۶۶۳ میلادی (۱۰۴۲ش-۱۰۷۳ق) به انجام رساند و مجتمعی بزرگ خدماتی، تجاری از جمله سوق مصر (مصیر چارشی‌سی) را در مجاورت مسجد بنا کرد. این مسجد که در ساحل خلیج شاخ‌زرین در منطقه مهم و پرتردد امینونو واقع است، بزرگترین مسجدی است که این سه مادر پادشاه آن را بنا کرده‌اند. همچنین مسجدی دیگر در میدان آکسارای به دستور پرتونیل مادر سلطان عبدالعزیز و به معماری سرکیس‌بالین در سال‌های ۷۱-۱۸۶۶ میلادی بنا شده است که به این مسجد نیز مسجد والده سلطان (camii valide) می‌گویند.

۲. به نقل از اثر ایوان‌سرای حسین افندی.

Hadigatu'l Javamii

۳. ر. ک. Ansiklopedisi Islam، ج ۳، ص ۵۱۶، مدخل والده خان بزرگ - احتمالاً از این برج برای دیده‌بانی کشتی‌ها و حفاظت از کاخ امپراطوری بیزانس بهره‌برداری می‌شده است و طبقه زیرین آن کلیسایی بوده که اکنون آثاری از تصویر مریم مقدس بر آن به چشم می‌خورد این مکان در حال حاضر محل دادوستد شده است.

۴. همان، ص ۵۱۶.

۵. ن. ک. Evliya Celebi Seyahatnamesi، ج ۱، ص ۳۲۵.

مسجد جدید ایرانیان در والده‌خان بر خرابه‌های سوخته مسجدی چوبی ساخته شده که قبلاً در فاصله سال‌های ۱۶۴۰-۱۶۲۳ میلادی و در وسط حیاط دوم کاروان سرا ساخته شده و در سال ۱۹۴۷ میلادی در یک آتش سوزی که مجموعه کاروانسرا سوخته بود بنا و بر پا شده بود. مسجد کنونی که در سال ۱۹۵۱-۱۹۵۲ میلادی بر جای مسجد قبلی ساخته شده بدون مناره و معماری آن تابع سبک معماری کل مجتمع والده‌خان و با آن هماهنگ است و سبک معماری مجتمع از معماری کاروان سراها الگو گرفته است. کاروان سرای والده‌خان در سالهای ۱۸۹۴، ۱۹۰۶ و ۱۹۲۶ میلادی خسارات و آسیب‌های فراوانی دیده است.

مجتمع دارای سه حیاط است، حیاط اولی پس از مدخل به شکل مستطیل بوده، دومی بسیار وسیع و به شکل مربع می‌باشد که در واقع نقطه ثقل مرکزی به شمار می‌رود و حیاط سوم به شکل مثلث است. مسجد چوبی ایرانیان متعلق به سده ۱۷ میلادی، در وسط حیاط وسیع مربع شکل قرار داشت که پس از بارها مرمت به استناد لوح فلزی نصب شده که به زبان ترکی و خط لاتین نوشته شده^۱، در سال ۱۹۴۷ میلادی (۱۳۲۶خ) طعمه حریق گردید و تماماً از بین رفت؛ تا اینکه توسط توسط یکی از نیکوکاران شبستری مقیم استانبول، روانشاد محمدنقی شفیع‌زاده^۲ به سال ۱۹۵۲-۱۹۵۱ میلادی با مصالح امروزی سنگ و آجر تجدید بنا شد. در لوح سنگی دیواری مسجد که به تاریخ بازسازی اشاره شده و در رواق کوچک ورودی آن نصب گردیده به خط نستعلیق خوش‌نویس بلندآوازه مرحوم حامد (الآمدی)^۳ چنین نگاشته شده است:

بارالها بحق (به حق) هشت و چار (چهار)^۴

شافع محشر به تقی و تقی

آنکه پس از سوختن از همتش

۱. مشاهدات نگارنده

۲. وی متوفای ۱۹۵۵م (۱۳۳۳-۱۳۷۴ق) است و در قبرستان ایرانیان در سیداحمد دره سنی اسکودار مدفون است. (تصویر در این مقاله).

۳. حامد آیت‌الآمدی در ۱۸۹۱ میلادی (۱۲۷۰ش-۱۳۲۶ق) در دیار بکر (آمد) ترکیه متولد شد اسم استعاری او حامد و نام حقیقی او شیخ موسی عزمی است در ۱۹۰۸ میلادی (۱۲۸۷ش-۱۳۲۶ق) به استانبول آمد و پس از تحصیلات حقوق و صنایع نفیسه، نقاشی و تذهیب را نیز آموخت و با فوت پدر به عنوان معلم خط و خطاط در چاپخانه‌ها از جمله چاپخانه برخی نهادهای نظامی مشغول شد و بعد از اقامت یکساله در آلمان نقاشی نقشه‌های جغرافیایی و خطوط آن را انجام می‌داد. در ۱۹۲۰ میلادی (۱۳۲۹ش-۱۳۳۹ق) دفتری در مجال‌وعلو باز کرد و به تدریج در بین استادان خط مقامی شایسته یافت و عمر درازی را حتی تا یکسال قبل از وفاتش در خوشنویسی گذراند وی شاگرد استاد محمدنظیف و از وی و استاد حاج کامل اجازه کتابت گرفت. آثار درخشاش در همه انواع خط از جمله خط نستعلیق مربوط به سالهای ۱۹۲۳ تا ۱۹۶۵ میلادی (۱۳۰۲ تا ۱۳۴۴ش-۱۳۴۱ تا ۱۳۸۵ق) است؛ اما در ثلث شهرت فراوان و شاگردان بسیاری داشت. کتیبه‌های قدیمی مساجد مهم از جمله مسجد جامع شیشلی و نیز مساجد ایرانیان در والده‌خان و سیداحمد دره‌سی به خط اوست. او در ۱۸ می ۱۹۸۲ میلادی (۱۳۶۱ش-۱۴۰۲ق) وفات یافت که بنا به وصیتش در آرامگاه «قره جه احمد» در جوار خوشنویس بزرگ و معنوی مقام، شیخ‌حمداالله به خاک سپرده شد. ۴. منظور دوازده امام معصوم شیعیان است.

مسجد ما یافت ز نو رونقی
آنکه در این معبد ایترانیان
رکز نمود از سر نو بیرقی
عزت او در دو جهان پایدار
نعمت او شامل هر متقی
نام و نشان خواستم از هاتف او
گفت به تاریخ بناءالحقی:
«تا به ابد زنده و جاوید کن
نام شفیع زاده محمدنقی»^۱
ذف کن از بیت اول بیست و شش
گردد عیان: «ساله (سال - مه) مطلق»

این مسجد منبری چوبی منبت کاری شده و شبستان فراخ و مرتفعی با فاصله چندین پله از زمین دارد که از حدود یک سوم پایانی آن، طبقه‌ای فوقانی برای جماعت بانوان ساخته شده است و مساحت تقریبی زیربنای آن ۳۲۲ مترمربع می‌باشد.

این مسجد منبری چوبی منبت کاری شده و شبستان فراخ و مرتفعی با فاصله چندین پله از زمین دارد که از حدود یک سوم پایانی آن، طبقه‌ای فوقانی برای جماعت بانوان ساخته شده است و مساحت تقریبی زیربنای آن ۳۲۲ مترمربع می‌باشد.

مسجد و مجتمع والده‌خان نماد کوشش‌های دینی و فرهنگی ایرانیان نیز بوده است. به نوشته جودت‌پاشا (۱۸۲۲-۱۸۹۵م) مورخ مشهور و نویسنده مجموعه تاریخ دولت عثمانی نخستین بار این ایرانیان بودند که چاپ خانه کاروان‌سرای والده‌خان را در والده‌خان در سده ۱۷ میلادی به راه انداخته و اقدام به چاپ قرآن کریم و برخی کتاب‌ها و نسخه‌های خطی با اهمیت، با حروف سربی نمودند؛ کاری که تا آن زمان به دلیل وجود برخی تعصبات و محدودیت‌های علمای دوران عثمانی انجام نشده بود. احمد راسم (۱۹۳۲-۱۸۶۷م) نیز در اثر خود، نویسنده، شاعر، ادیب بر این نکته تأکید می‌کند که مرکز مطبوعاتی ایرانیان یکی از فعال‌ترین مراکز فروش کتاب بودند. آنان با فعالیت‌های مستمر در چاپ خانه والده‌خان هر نوع آثار را

۱. این بیت و بیت بعد مربوط به تاریخ ساخت تجدید بناست. بنا به راهنمایی آخرین بیت، حروف اولین بیت ماده تاریخ (نه بیت اول شعر) یعنی بیت «تا به ابد...» را به جمع ابجدی باید جمع کنیم و سپس عدد ۲۶ را از آن کم کنیم تا سال بازسازی مسجد به دست آید. این تاریخ به صورت معما طرح شده و کلمه رمز آن عبارت «ساله مطلق» است که جمع ابجدی آن ۳۲۵ است و از ارتباط آن با بیت قبل، تاریخی بین سال‌های ۱۹۵۱م (۱۳۲۹خ) تا ۱۹۵۷م به دست می‌آید که تقریباً با زیرنویس عددی سنگ لوح (۱۳۷۰) و نیز دیگر منابع که سال تجدید بنا را ۱۹۵۱م. ذکر کرده‌اند، تطبیق می‌کند.

۲. Ansiklopedis Istanbul ص ۳۱۵ و اسرا دوغان، مقاله استانبول ایرانیان و کاروان‌سرای والده‌خان، مجله بهارستان، ش ۴، تابستان ۸۸ به نقل از Belge Murat; Rehberi Gezi Istanbul، انتشارات تاریخ وقف، چ ۱۲، ۲۰۰۷.

که امکان چاپ آن در جای دیگر نبود چاپ می کردند^۱. همچنین بنیان نخستین مدرسه کنونی ایرانیان در سال ۱۸۸۴ میلادی (۱۲۶۲خ) توسط جمعی از نیکوکاران فرهنگ دوست، برای نه نفر از دانش آموزان ایرانی به معلمی میرزا علی نامی، در این مسجد نهاده شد^۲.

این مسجد به دلیل داشتن موقعیت خاص در مرکزیت مجتمع والده خان، کانون اجتماعات سیاسی و مذهبی ایرانیان نیز بوده است و به دلیل قداست و اهمیتی که داشته، زمانی محل برگزاری اجتماعات آزادی خواهان و فعالیت برخی انجمن ها و سخنرانی های بعضی رجال مشهور سیاسی ایران به ویژه در دوره مشروطیت بوده است، از این رو نقش آن در پیروزی مشروطیت انکارناپذیر است^۳.

همچنین به نقل از روایات تاریخی و سفرنامه های جهانگردان در سده های گذشته، صدها مهاجر ایرانی تبار در مراسم های ماه محرم در حیاط بزرگ والده خان به مراسم و آیین عزاداری می پرداختند^۴ که جهانگردان از این مراسم گزارش هایی تهیه و تصاویری را طراحی کرده اند (تصاویر طراحی شده این مجموعه) و حتی سفارتخانه های خارجی مقیم، برای تماشای این مراسم از قبل جا تعیین می کرده اند.

این مسجد موقوفات متعددی داشته است که در حال حاضر هشت باب مغازه واقع در حیاط و اطراف آن از جمله این موقوفات می باشد. هر چند مراسم بیرون فضای مسجد از سال ۱۹۲۷ میلادی که برگزاری آئین های مذهبی در کشور ممنوع گردیده اکنون برگزار نمی گردد اما مسجد والده خان در حال حاضر نیز فعال و در امور اجتماعی ایرانیان نقش مهمی دارد. سالانه مراسم عزاداری و بزرگداشت ها و برخی همایش های دیگر و نیز نماز جماعت در آن برگزار و ایرانیان جهت انجام خطبه عقد ازدواج و استفتائات

۱. همان، به نقل از: Ahmet Rasim ;Muharrir; Sair;Adip ، انتشارات ترجمان استانبول.

۲. تأسیس و چاپ روزنامه های اختر از ۱۸۷۵م (۱۲۵۴خ) به مدیریت محمدطاهر تبریزی و سردبیری میرزامهدی اختر و ترکستان از ۱۹۰۲میلادی (۱۲۸۱خ) و سروش از ۱۹۰۹م. به مدیریت علی اکبرخان دهخدا و شمس از ۱۹۰۸م. به مدیریت سیدحسن تبریزی و فکر استقبال از ۱۹۱۰م. و پارس از ۱۹۲۱م. به مدیریت ابوالقاسم خان لاهوتی کرمانشاهی و استانبول به مدیریت ارفع الدوله و نیز پرورش و شیدا و محبان در استانبول از دیگر تلاش های فرهنگی ایرانیان مقیم این شهر در این دوران است.

۳. در این باره به ویژه باید از «انجمن سعادت ایران» و نقش ویژه آیت الله شیخ اسدالله ممقانی یاد کرد. با فزونی گرفتن فشار علیه مشروطه خواهان، این انجمن در سال ۱۹۰۷م. به عنوان رابط میان رهبران مشروطه خواه داخل کشور با شهرهای نجف و شهرها و پارلمان های اروپایی و با هدف کمک و اطلاع رسانی در والده خان تأسیس شد. آیت الله ممقانی از سوی مرجع و رهبر بزرگ مشروطه آیت الله (آخوند) محمدکاظم خراسانی، برای رهبری جامعه ایرانیان مقیم استانبول به این انجمن اعزام شد که این مسجد یکی از پایگاه های مهم فعالیت انجمن در آن دوران بود همچنین سخنرانی های تقی زاده نماینده تبریز در اولین دوره مشروطیت در این مسجد قابل ذکر است.

۴. در منابع تاریخی در اعتلای این مراسم و استفاده از نفوذ معنوی ایرانیان و شخصیت های ایرانی حتی نزد دربار عثمانی از تلاش ها و نقش ویژه سیدجمال الدین اسدآبادی و میرزا حسین خان سپهسالار، وزیرمختار و سفیر اعزامی دوره قاجاریه از ۱۸۵۹ تا ۱۸۷۰ میلادی (۱۲۳۷-۱۲۴۹ش، ۱۲۷۵-۱۲۸۷ق) و نیز حاج میرزا صفا نام و سخن فراوان رفته است. نیز در این میان مکاتبات سیدجمال و میرزا آقاخان کرمانی و خبیرالملک سرکنسول وقت استانبول که با هدف «اتحاد اسلام» به مقامات و مردم سراسر جهان صورت گرفته مشهور است.

دینی به آن مراجعه می‌کنند. از این رو هنوز هم بین مردم منقطه به مسجد ایرانیان معروف است.^۱ همچنین مسجد کتابخانه‌ای با بیش از ۱۰۰۰ جلد کتاب به زبان‌های فارسی، عربی و ترکی دارد که در طبقه فوقانی آن واقع است.

این مسجد از آرایه‌ها و تزیینات داخلی به سبک مساجد محلی برخوردار است که بنا به کتیبه منقوش در شبستان به تاریخ ۱۹۵۳/۵/۳ میلادی توسط نقاش مصطفی کایهان تزیین شده است.

در سال ۱۳۸۵ خورشیدی، بازسازی محراب و کاشی‌کاری و کتیبه‌نویسی آن به سبک مساجد ایرانی به نیت و همت سرکنسولگری و تنی چند از ایرانیان نیکوکار و نیز همیاری سازمان اوقاف و امور خیریه (بنیاد موقوفات) جمهوری اسلامی ایران و به دست و قلم هنرمندانه هنروران و کاشیکاران ایرانی انجام گرفت.^۲ راقم این سطور که بضاعتی اندک در خوشنویسی خطوط مختلف دارد، این توفیق را داشت که در این امر از آغاز تا انجام اهتمام ورزد؛ به ویژه آنکه برای نخستین بار محراب و پیشانی این مسجد به هنر ایرانی آراسته و نام مسجد ایرانیان بر دیوار و نمای خارجی آن نقش بست. امری که انجام آن با توجه به حساسیت‌های محلی از جنبه‌های مختلف خطیر تلقی می‌شد قابل یادآوری است کاشیکاری محراب این مسجد تاریخی از خرداد تا مرداد سال ۱۳۸۵ توسط کاشیکار ایرانی، حاج‌ابراهیم فلاحی انجام شد، خوشنویسی محراب و کتیبه‌ها نیز در همین زمان انجام شده است.^۳

مسجد سیداحمد دره‌سی^۴

ایرانیان استانبول به جز مسجد والده‌خان در منطقه والده‌خان بازار، مسجد دیگری در بخش آسیایی استانبول، واقع در منطقه اسکودار در خیابان سیداحمد دره‌سی دارند. این مسجد در مدخل ورودی گورستان ایرانیان بنا شده و غسل‌خانه و کتابخانه کوچکی را نیز در خود جای داده است. بنا بر ماده تاریخ ذکر شده

۱. در این مسجد این امامان جماعت نماز برگزار کرده‌اند: ملاموسی، مجیدواعظی، صابری تبریزی‌همدانی، ثقة‌الاسلامی، مهدیبور، صابری‌همدانی، اسماعیل‌سابقی و در حال حاضر شیخ‌محمد قطاعی. همچنین اداره کنونی مسجد و برخی مراسم و برنامه‌های آن را انجمن خیریه ایرانیان مقیم با استفاده از موقوفات و همیاری محلی به عهده دارد.

۲. زیباسازی محراب و بنای این کتیبه در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ خورشیدی برنامه‌ریزی و اجرا شده است. در کتیبه خط ثلث اطراف این محراب به مناسبت مرکزیت بنادر بازار مرکزی استانبول آیه ۳۶ تا ۳۹ سوره نور انتخاب و خوشنویسی کتیبه اصلی به خط ثلث انجام گرفته و در کمر بند داخلی محراب و اطراف آن، بخش اول آیه ۱۴۴ سوره بقره (قدنری... قبله... شطره) و اذکاری به خطوط کوفی تزیینی و کوفی معلق (بنایی) نگاشته شده است. همین جا لازم است از تلاش‌های ایرانی نیکوکار و مقیم، حاج‌محمدخبازی، از اعضای هیأت امنای مسجد که پس از اتمام این پروژه تمامی مسجد به سرمایه او با ده‌ها فرش دست‌باف زیبای ایرانی نیز مفروش شد و همچنین از همراهی سرکنسول وقت کشورمان آقای سیدکمال یاسینی و ایرانیان نیکوکار حاج‌ابراهیم‌برهان‌الدین (رئیس انجمن خیریه ایرانیان استانبول) و آقای قربانی که در بخشی از پروژه ما را همراهی کرد نهایت تقدیر را به عمل آورم.

۳. حاج‌ابراهیم فلاحی متولد ۱۳۱۶ خورشیدی اهل شهر تاریخی کاشان است. وی بناهای مهم و زیبایی همچون مساجد شهید مطهری (سپهسالار)، اعظم (آیت‌الله بروجردی‌قم)، حسینیه ارشاد و یادمان میدان آزادی تهران و ده‌ها مسجد و بنا را در داخل و خارج کشور کاشیکاری کرده است.

4. Seyyid Ahmet Deresi Camii.

در اشعار کتیبه سنگی مسجد سیداحمد دره‌سی، بنای مسجد اولیه (که به صورت چوبی بوده) توسط فردی به نام حاج‌حسین‌علی‌خویی به تاریخ ۱۸۱۷ میلادی (۱۱۹۶ خ) و یا ۱۸۴۸ میلادی ساخته شده است^۱:

در جهان از نام نیک آمد بقا
«لیس للانسان الا ماسعی»^۲
لاجرم سرکار رفعت جایگاه
قدوه ارباب احسان و سخا
حاجی حسینعلی آقای خویی
این بنا را کرد در اینجا بنا
گفت دانش بهر تاریخش بلی
«نیست احسان را مگر احسان جزا»^۳

بنابه کتیبه دیگری، مسجد و یا متعلقات آن در سال ۱۸۹۱ میلادی (۱۲۷۰ ش - ۱۳۰۸ ق) تحت نظارت حسین‌بن‌فتح‌الله‌الکاملی به صورتی خوب‌تر از گذشته بازسازی شده: «ماشاءالله کان^۴ - همت اهل (و) کرم و لطف حق / ساخته شد خوب‌تر از ماسبق - ناظر - حسین‌بن‌فتح‌الله‌الکاملی - ۱۳۰۸»
همچنین بنا به برخی منابع تاریخی، این مسجد در سال ۱۹۳۳ میلادی پس از آتش‌سوزی به شکل امروزی بهسازی شده است.

در گذشته این مسجد که تماماً از چوب بوده به نام بانی آن «حاج‌حسین‌علی» نامیده می‌شد. مسجد بر فراز یک بلندی با در ورودی زیبا و فضایی دلپذیر، دلها و چشم‌ها را می‌نوازد. همچنین منبر، محراب و کتیبه‌های داخلی مسجد بسیار زیبا و در اوج استواری و استحکام، به نام خوشنویسان مشهوری چون

۱. این تردید به دلیل نحوه محاسبه ماده تاریخ شعری ذکر شده در این کتیبه است. بیت: «گفت دانش بهر تاریخش بلی / نیست احسان را مگر احسان جزا» در کتیبه مذکور بیانگر آن است که اولاً شعر کتیبه توسط شاعری به نام دانش سروده شده و ثانیاً تاریخ ساخت بنا که از جمع ابجدی حروف مصراع دوم به دست می‌آید سال ۱۲۳۲ (بدون احتساب کلمه بلی) و یا ۱۲۶۴ قمری (با احتساب کلمه بلی) می‌باشد و دومی به قرینه تاریخ بنای غسالخانه که بانی اول آن همان بانی مسجد است، درست‌تر به نظر می‌رسد. سراینده اشعار و ماده تاریخ به احتمال قوی حسین‌دانش است که پدرش اهل اصفهان و مادرش اهل چرخس بوده، او که در دیوان عمومیه عثمانی استخدام شده و جزو ادبا و شعرای وقت محسوب می‌شده، کتاب‌هایی را به سرکنسولگری ایران اهدا نمود و در برخی مراسم سفارت ایران در سال ۱۹۲۲ میلادی (۱۳۰۰ خ) نیز شعر قرائت کرده است. مقبره او در گورستان ایرانیان سیداحمد دره‌سی است. هر چند پرنس میرزا رضاخان (ارفع‌الدوله) که در فاصله سال‌های ۱۹۱۰ - ۱۹۰۱ م. در استانبول سفیر بوده نیز طبع شعری داشته و با لقب دانش‌نامیده شده ولی با توجه به موقعیت او و نوع اشعار انتساب این اشعار به نام برده نادرست به نظر می‌رسد.

۲. سوره نجم، آیه ۳۹.

۳. ترجمه آیه ۶۰ از سوره الرحمن: «هل جزء الاحسان الا الاحسان» و همچنانکه پیش‌تر بیان شد، ماده تاریخ ساخت بناست.

۴. قسمتی از عبارت مشهور «ماشاءالله کان و مالم یشاء لم یکن» است به معنی آنچه خدا خواهد همان می‌شود و آنچه او اراده نکند نخواهد شد.

حامد(الامدی)^۱ و احمدنجفی زنجانی^۲ زبینه است. در کتیبه‌های فوقانی قدیمی محراب، آیات قرآنی: [انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحيم]^۳ و [فنادته الملائكة و هو قائم یصلی فی المحراب]^۴ و عبارت و اذکار [اشهد ان محمداً رسول الله - صادق الوعد الامین] خوش نوشته و خوب نشسته است. بنا به کتیبه فوقانی محراب، محراب اولیه «در سنه هزار و سیصد و چهل هجری» به امر و اهتمام و «تبرع جناب حاجی مفخم السلطنه میرزاعلی اکبرخان جنرال قنسول»^۵ وقت ساخته شده که از چهار کتیبه خط ثلث بسیار قوی با زمینه سبز یشمی تشکیل شده است. همچنین به سال ۱۹۷۳ میلادی (۱۳۵۲خ - ۱۳۹۱ق) این محراب به سفارش انجمن آثار ملی ایران به صورت کاشیکاری بازسازی شده که کتیبه خط ثلث اطراف آن، آیات اول تا یازدهم سوره مؤمنون است و با زمینه آبی لاجوردی، به خط ثلث خوشنویسی توانای ایرانی مرحوم استاداحمد نجفی زنجانی و کاشیکاری سیدمصطفی طباطبائی پدید آمده است و داخل محراب آیه ۱۴۴ سوره بقره چشم‌ها را می‌نوازد. قطعه کتیبه‌های اطراف شبستان مسجد به خط ثلث خوشنویس مشهور ترکیه مرحوم حامد پدید آمده است که بنا به آنچه در زیر کتیبه‌ها نقش بسته است «از ثلث [اموال] حاجی شیخ‌جواد کرباسی» و نیکوکاری «رضا اهرنجانی ساکن صمانیه» و «حمیدبن عبدالاسلام اهرنجانی» و «حاجی ابراهیم‌بن باقر تبریزی» تبرع، ساخته و تهیه شده و دیوارهای مسجد را آراسته است. آیات برگزیده، درایت و دقت لفظی و معنوی، گرایش مذهبی و اعتقادی، ذوق و زیباشناختی صاحبان اثر را القا می‌کند: [انما یرید الله لیزهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً]^۶ و [قل لاسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی]^۷ و [یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً]^۸ و [قال الله تعالی ان الصلوة کانت علی

۱. زندگینامه این خوش‌نویس شهیر پیش‌تر در پی نوشت شماره ۱۲ آمد.

۲. مرحوم نجفی زنجانی از خوشنویسان شهیر ایرانی است که بسیاری از کتیبه‌های عتبات عالیات و مساجد را در ایران و کشورهای دیگر خوشنویسی کرده است. وی در ۱۹۰۸م. (۱۲۸۷خ) در نجف متولد شد و در تهران سکونت یافت. وی در انواع خطوط شش‌گانه تبحر داشت. از شاهکارهای دیگر خوشنویسی او کتیبه ضریح امام رضا(ع)، آرمگاه بوعلی‌سینا در همدان و مسجد آئینه قم و خطوط ضریح حضرت رقیه در شام، سنگ مدفن نادرشاه در مشهد و قرآن‌ها و کتب بسیاری است.

۳. نمل، آیه ۳۰.

۴. آل عمران، آیه ۳۷.

۵. میرزاعلی اکبرخان مفخم السلطنه به سال ۱۹۰۱م. (۱۲۸۰خ) در زمانی که بردار بزرگترش پرنس میرزارضاخان دانش ارفع‌الدوله در استانبول سفیر شده در کنسولگری ایران در جده مأمور بود و بنا به دلایلی مربوط به امور حجاج ایرانی به سال ۱۹۰۳ میلادی (۱۲۸۲خ) با دستخط مظفرالدین‌شاه قاجار به تهران احضار و در رجب همین سال به استانبول مأمور شد. وی از ۱۹۱۸م. حکم سرکنسولی (جنرال کنسولی) را از مشاورالممالک وزیر خارجه وقت در حالیکه برای کنفرانس پاریس از استانبول عبور کرده گرفته و پس از آن مدتی نیز کاردار سفارت بوده است و سپس بنا به دلایلی از کار برکنار و به بالکان مأمور شد. وی در استانبول کاروانسراهای متعدد و عمارتی پنج طبقه به نام قصر فیروزه داشته است.

۶. قد نری تقلب فی السماء فلنولینک قبله ترضیها فول...

۷. احزاب، آیه ۳۳.

۸. شوری، آیه ۲۳.

۹. انسان، آیه ۸.

المؤمنین کتاباً موقوتاً^۱

نیز بر سقف مسجد دو سوره مبارکه «فاتحه الكتاب» [حمد] و «کوثر» به خط ثلث بسیار زیبا به صورت مدور نگاشته شده و تمامی دیوارها و اطراف کتیبه‌ها با تذهیبی لاجوردی و قرمز به سبک محلی آراسته شده است که همه حکایت از شور هنری و عشق و ایمان جامعه ایرانیان این منطقه دارد. بر سر در مسجد چوبی قبلی لوحه‌ای با خط زیبای حامد نصب بوده که امروزه نیز بر سر در فعلی نصب شده است. مسجد سیداحمد دره‌سی زیربنایی حدود ۲۰۰ مترمربع دارد و کتابخانه‌ای با حدود ۱۰۰۰ جلد کتاب (که واقف اکثر کتاب‌های آن آقای سیدعباس افغالی است)، همچنین غسلخانه‌ای مجهز به سردخانه و آب انبار و یک آشپزخانه و قهوه‌خانه از ملحقات و امکانات جانبی آن است.

در سمت چپ پله‌های ورودی مسجد، بنایی موسوم به بنای مشروطه و در قسمت بالای پله‌ها، قبرستان ایرانیان دیده می‌شود. این مسجد به دلیل هم‌جواری با قبرستان ایرانیان در ایام سوگواری و مواقع خاصی از جمله مراسم ترحیم و تشییع اعیاد و ایام سوگواری مذهبی و ماه‌های رمضان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد؛ که بدلیل برخی جاذبه‌های معنوی و باورهای مذهبی، مورد توجه ویژه اتباع غیر ایرانی و غیر شیعی نیز بوده است. مسجد سیداحمد دره‌سی به نام‌های «تکیه ایرانیان» و «تکیه عجم‌ها» نیز معروف بوده است^۲؛ همچنین بانی بنای غسلخانه بنا به کتابت سنگ نصب شده بر آن^۳، مرحوم حاج حسینعلی تاجر خویی به سال ۱۸۵۵ میلادی (۱۲۳۳خ) است که ساخت مسجد نیز به همت او انجام گرفته و بانی دوم آن به نوشته کتیبه‌ای دیگر «مشهدی عباسعلی بن حاجی احمد خویی» در سال ۱۹۲۰ میلادی (۱۲۹۸خ) می‌باشد. بنا به روایات تاریخی در آیین عزاداری ماه محرم، شماری از ایرانیان و حتی غیر ایرانیان و از جمله برخی در قالب دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی و قمه‌زنی پس از برگزاری مراسم در مسجد والده‌خان در دیگر سوی استانبول، روانه میدان اسکودار شده و سپس با طی مسیری طولانی به مسجد سیداحمد دره‌سی می‌آمدند و این مراسم با خواندن فاتحه بر قبرستان ایرانیان پایان می‌گرفت. به این مراسم ایرانیان «دوونمه سی» می‌گفتند. این گروه‌های عزاداری بر روی یک اسب و یا قاطر یک گهواره نوزاد، یک کبوتر و شمشیری خونین می‌گذاشتند و اسب را به عنوان یدک آرام آرام همراه می‌آوردند و در دسته‌هایی به صورت دوطرفه حرکت می‌کردند. این مراسم در زمان عبدالمجید دوم طی سال‌های مشروطیت نیز اجرا می‌شده است^۴. اکنون نیز در روز عاشورا و برخی لیالی ماه مبارک رمضان در این مکان مراسمی برپاست که اهالی شهرهای

۱. نساء، آیه ۱۰۳، کتیبه سر در ورودی شبستان که حامد به سال ۱۹۲۱ میلادی نگاشته است.

2. Uskudar da Iranlilar ve Iran Mezarligi ; prf. Zekeryya Kursun ; Uskudar Sempozyumu;IV; 196. ص

۳. متن این سنگ نوشته به زبان ترکی قدیم «کل ما دخل علیها زکریا المحراب / صدقله حقک رضا سنده اولوب ایله نیاز، سجده

آیتالله که میرانه کل محراب بود، نانی غسلخانه الحاج حسینعلی تاجر خویی/۱۲۷۱»

۴. اسرا دوغان، پیشین.

دیگر ترکیه نیز شرکت می‌کنند^۱. در سمت راست پله‌های مسجد، چشمه‌ای به سال ۱۷۵۱ میلادی (۱۱۳۰ خ) از طرف سلاحدار سلیمان آقا ساخته و تدارک شده بود که امروز اثری از آن موجود نیست. چشمه‌های دیگری نیز در اطراف مسجد در گذشته وجود داشته است.

قبرستان ایرانیان در سیداحمد دره‌سی.

این گورستان که در انتهای مجموعه قبرستان قراچه احمد واقع است از محوطه پشت مسجد سیداحمد دره‌سی آغاز و به طول و عرض ده‌ها متر در شیب نسبتاً ملایمی در فضایی پوشیده از درختان امتداد می‌یابد و اکنون با دیواری محصور شده است. وجود قبرستان ایرانیان در قرن هفدهم میلادی در محله سیداحمد دره‌سی و منطقه اسکودار (در بخش آسیایی استانبول) بیانگر حضور ایرانیان در این مناطق از گذشته‌های دور است. به نظر می‌رسد امروزه این حضور با افزایش ارتباطات بخش آسیایی و اروپایی و تاسیس فرودگاه و استقرار مراکز تجاری و رفاهی در بخش اروپایی، به تدریج کاسته شده و به بخش اروپایی انتقال یافته است. در بیان پیشینه گورستان سید احمد دره‌سی، خان‌ملک‌ساسانی در کتاب یادبودهای سفارت ایران از مزارستانی یاد می‌کند که ایرانیان زمین و غسلخانه آن را در سال ۱۸۷۳ میلادی (۱۲۵۲ خ) خریداری کردند؛ بنا به نوشته وی ایرانیان در استانبول زمینی به مساحت پنج (احتمالاً پنجاه و) دو نم و نیم زمین (هر دو نم: هزار و ششصد زرع) به اسم حاجی عبدالکریم دیلمقانی و پس از آن در ۱۳۰۰ قمری چهل و دو دونم دیگر به دلیل ممنوعیت استملاک برای اتباع ایرانی به اسم واسیل سواج‌اوغلی (یونانی) برای توسعه قبرستان خریدند که تا سال ۱۳۲۵ قمری به اسم او بود و در آن سال، واسیل آن را به حاجی میرزا شفیع امین‌التجار واگذار کرد. این معامله توسط کنسولگری یونان تصدیق شد ولی به دلیل فوت واسیل و نبودن ورثه و عدم امکان توکیل (به غیر) و نیز به دلیل جنگ، موضوع به تعویق افتاد و اداره اوقاف محل این قبرستان را ضبط کرد و آن را برای زراعت اجاره داد و گورها هم از بین رفت و بعد با تلاش سفارت ایران مجدداً مالکیت آن برای ایرانیان به اثبات رسید، اسناد (این نقل و انتقالات) در ادارات موجود لیکن ناتمام مانده است^۲. هر چند خان‌ملک نشانی این زمین را به دست نداده اما قرائن و نیز تحقیقات محلی و برخی اسناد که نگارنده آن را دیده بیانگر آن است که قبرستان کنونی ایرانیان در سیداحمد دره‌سی مجموعاً دارای سه قطعه زمین است: قطعه‌ای به مساحت ۶۶۰۰ مترمربع که در سال ۱۹۳۷ به نام حاج‌حسین علی ثبت شده و او آن را وقف کرده و قطعه‌ای به مساحت ۶۴۰۰ مترمربع و قطعه سوم به مساحت ۸۷۰۰ مترمربع که مساحت مجموع این قطعات ۲۱۷۰۰ مترمربع است و در زمان‌های مختلف به این امر اختصاص یافته است.

این گورستان از تاریخ ۱۶۰۹ میلادی (۹۸۸ خ) آرامگاه درگذشتگان بوده است. هر چند در برهه‌ای از تاریخ افرادی غیرایرانی نیز در این قبرستان مدفون شده‌اند، اما بنا به آخرین تصمیم مراجع قانونی و شهرداری

۱. اداره کنونی مسجد و قبرستان سیداحمد دره‌سی و برخی مراسم و برنامه‌های آن را انجمن خیریه ایرانیان مقیم استانبول با استفاده از موقوفات و همیاری محلی به عهده دارد.

۲. ساسانی، همان، صص ۱۰۶-۱۰۷.

محل، در حال حاضر زمین این قبرستان از اموال عمومی و متعلق به شهرداری شمرده شده و تنها اجازه بهره‌برداری به منظور دفن اموات ایرانی مقیم استانبول داده شده است. قدیمی‌ترین گور شناخته شده این مزار مربوط به سال ۱۶۹۰ میلادی (۱۰۶۸ خ) بوده و سنگ قبر دیگری به نام شاهدخت حوری سلطان، دختر شاه‌حسین، متوفای ۱۷۴۸ میلادی (۱۱۲۶ خ) نقش و رقم خورده است. این مزارستان تاکنون افرادی از طبقات گوناگون اجتماعی (معلمان و فرهنگیان، پزشکان، سیاسیون و بازرگانان و...) در دل خود جای داده است؛ بزرگانی چون شادروانان: عبدالباقی گلپینارلی (مفسر، نویسنده و مورخ بزرگ و محقق مشهور)، حسین دانش (ادیب، شاعر مترجم بزرگ ایرانی که بسیاری از کتاب‌های کتابخانه سرکنسولگری ایران، هدیه وی بوده است)، محمدنقی شفیع‌زاده (بانی دوم مسجد ایرانیان در والده‌خان)، دکتر علی میلانی (استاد دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول و معلم مدرسه ایرانیان)، میرزا احمدخان خوبی (کاردار سفارت ایران در زمان سفارت میرزا جعفرخان احتشام‌السلطنه) و تعدادی دیگر از اعضای قدیم سفارت ایران، خانم زیور زیادخان (که بیش از ۵۰ سال معلم مدرسه ایرانیان در استانبول بود)، عزت شفیع‌زاده (اولین بانک‌دار ایرانی در جهان که بانک شرق را که تا ۱۹۶۰ میلادی یکی از بانک‌های بزرگ کشور بود در استانبول تأسیس کرد)، رضا لکی شیبستری (ایرانی نیکوکاری که سال‌ها ریاست انجمن دوستی ایران و ترک و انجمن خیریه را به عهده داشت)، مرتضی آفتاب (صاحب مؤسسه چاپ و نشر کتاب آفتاب)، علی خلیلی و اسماعیل قاسم‌زاده و حمید ترقی‌پرو (از مؤسسان انجمن خیریه ایرانیان مقیم ترکیه)، یاشار علی‌شناسی، علی‌یگانی، سعیدجان پولاد، فریدون سالاری، حسین سراجی و محمدباقر یوسفی (که همگی ریاست انجمن خیریه را برای مدتی به عهده داشتند)، یوسف شن (وکیل مشاور سرکنسولگری ج.ا.ا در استانبول در فاصله سال‌های ۸۳-۸۵ شمسی)، جم‌قره‌جه^۱ (مشهورترین خواننده و موسیقی‌دان ترکیه و پدر وی) و بازرگانان قدیمی چون محمدحسن تاجر و احمدآقای تاجر خوبی و تنی چند از معلمان قدیمی مدرسه ایرانیان.

همچنین در گذشته در دامنه شرق تپه‌ای که قبرستان روی آن قرار دارد، جوی آبی از سیداحمد دره‌سی منشعب می‌شده و به منطقه‌ای جاری بوده که به نام گردشگاه جنگل معروف است. دورتر از سمت قبله مسجد، قبرستان آلمان‌ها (افسران و سربازان فوت شده در جنگ چاناک قلعه) دیده می‌شود. گورستان ایرانیان و سنگ قبور و درگذشتگان آن از نظر تاریخی، جغرافیای شهری و منطقه‌ای و مذهبی بررسی و مطالعه بیشتر و کوشش پژوهشگران را می‌طلبد.

شعرها و شعرواره‌های برخی از سنگ‌های قبور که به فارسی و ترکی سروده شده است گویای گرایش معنوی و اعتقادی ایرانیان از قدیم تا کنون می‌باشد. از جمله:

۱. در سال‌های پایانی مأموریت نگارنده در استانبول (۸۵-۸۴ خورشیدی) بدلیل بحث فراگیری که در باب میراث این خواننده مشهور و پدر موسیقی مردمی (پاپ) در عرصه رسانه‌های دیداری و شنیداری ترکیه ماه‌ها جریان داشت زیرا فردی ادعای فرزندی وی و بردن ارث از نامبرده را داشت و همسر خواننده مذکور خواننده مذکور و دیگران منکر آن بودند. دادگاه به منظور اثبات نسبت از طریق آزمایش DNA دستور نیش قبر این خواننده را داد و گویا سرانجام صحت ادعای این فرد به اثبات نرسید. بنابراین در روزهای اوج این جنجال خبری قبرستان سیداحمد دره‌سی بارها از شبکه‌های مختلف تلویزیونی نمایش داده شد.

ای خدایی که سرا پرده لطف تو رفیع
به در مغفرتت آل رسولند شفیع
عذر تقصیر به درگاه جلالت آورد
طالب مغفرتت خفته در این خاک رفیع

این همه هیچ است چون می بگذرد
تخت و بخت و امر و نهی و گیر و دار

نام نیکو گر بماند ز آدمی
به کزو ماند سرای زرنگار

ز بلوای محشر ندارم هراس
مرا در جهان حشر بر پا نمود

بر سینه سنگ مزارم بنویسید
آشفته دلی خفته در این خلوت خاموش

بیر قوش ایدیم اوچدوم او وادان
اجل آیردی منی آن ایله ببادان

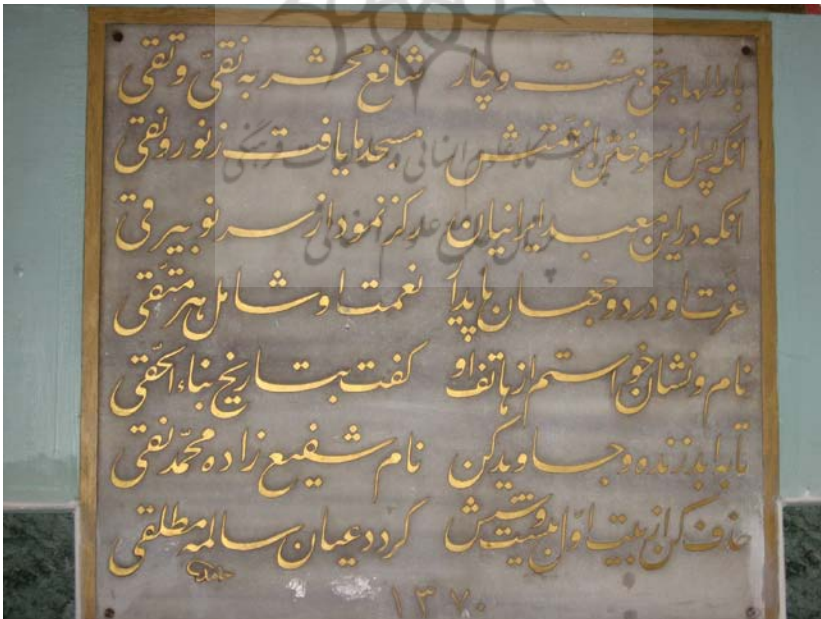
منابع:

- Istanbul Ansiklopedisi، دائرةالمعارف استانبول، جلد چهارم (واژه والده خان بزرگ) - Buyuk Valide HanI
Dunden Bugune Istanbul Ansiklopedisi، دائرةالمعارف استانبول از گذشته تا امروز، جلد‌های
چهارم و هفتم، مؤسسه تاریخ وزارت فرهنگ ترکیه.
Eminonu Camileri، مساجد امینونو، مؤسسه دیانت ترکیه، شعبه امینونو.
Meydan Larousse، جلد بیستم، روزنامه صباح.
الدوله العثمانیه، تاریخ و حضاره، اکمل الدین احسان اوغلو، چاپ ارسیکا.
یادبودهای سفارت ایران، خان ملک ساسانی، انتشارات بابک.
PayitahtIn son yıllarInda bir sefir، یک سفیر در سالهای آخر پایتخت، نشر کلاسیک استانبول.
تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، محمدعلی تهرانی (کاتوزیان)، شرکت سهامی انتشار.
تاریخ مشروطه ایران، احمدکسروی، انتشارات نگاه.
استانبول و باکو در یک نگاه، محمدعلی نقابی، چاپ نشده، تصویر نسخه تاپیی نزد نگارنده مقاله.
خاطرات مأموریت در استانبول، نورالدین کیا، نشر آبی.
ایرانیان استانبول، تیشری زرکن و فریبا زرین‌باف، چاپ انجمن ایران‌شناسی فرانسه و انجمن فرانسوی مطالعات
آسیای صغیر.
النشره الاخباریه، IRCICA newsletter، شماره دوم، ۱۹۸۲.
فن الخط در میراث اسلامی، مصطفی اوغور درمان، چاپ ارسیکا.

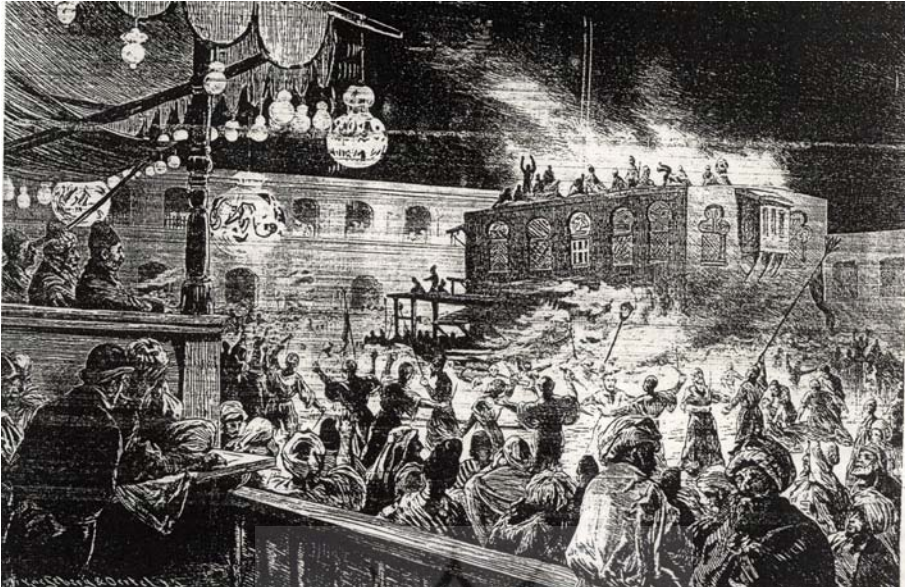
اطلس خط، تحقیق در خطوط اسلامی، جیب ۰۰۰۱ فضایی، انتشارات مشعل اصفهان.
EVLİYA CELEBI SEYAHATNAMESİ - سیاحت نامه اولیا چلبی -
مجله بهارستان، شماره ۴، تابستان ۸۸، مقاله استانبول ایرانیان و کاروان سرای والده خان، اسرا دوغان
برخی جراید قدیمی ایرانی منتشره در استانبول.
گزارش انجمن خیریه ایرانیان مقیم استانبول، دست نوشته نزد نگارنده.
سنگ‌نوشت‌ها و کتیبه‌های آثار و مشاهدات و مصاحبه‌های محلی نگارنده.
Yuzuyillar Boyunca Uskudr (اسکودار در صدها سال گذشته)
یادبودهای سفارت ایران، خان‌ملک‌ساسانی، انتشارات بابک.
Payitahtin son yıllarında bir sefir / یک سفیر در سالهای آخر پایتخت، نشر کلاسیک استانبول.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی







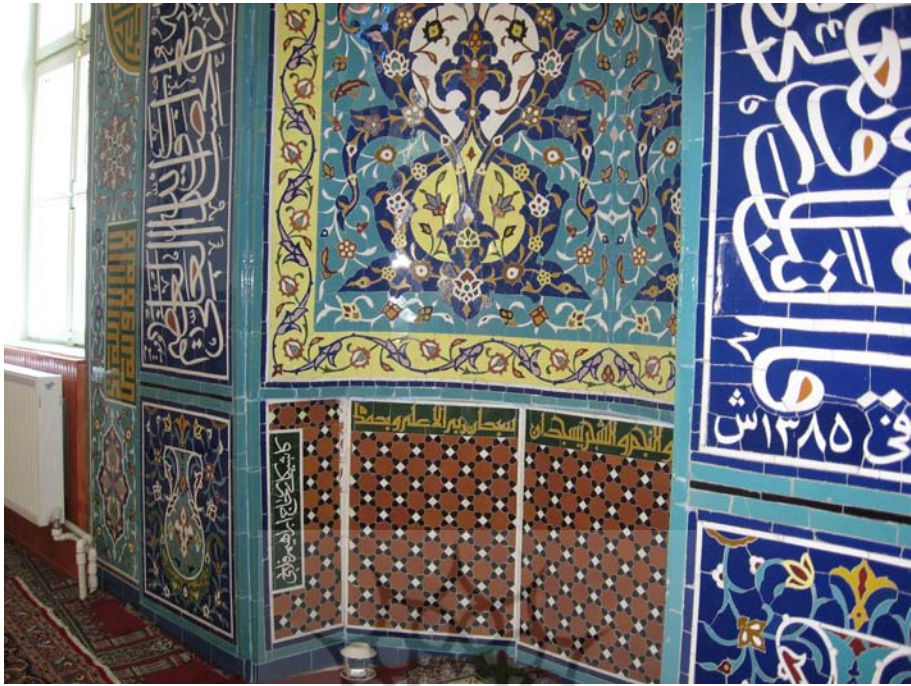
مراسم عزاداری ایرانیان مقیم استانبول در میدان مسجد والدهخان





مردم محمدی شیخ زاده بانی مسجد والده خان در ایران









Mr. Hamid Aytaç (Master Calligrapher) with Dr. Ekmeleddin İhsanoğlu, Director General of IRCICA Seated at extreme right: Mr. Hasan Çelebi (famous calligrapher and student of Mr. Hamid Aytaç)



